

آمیولاتس

توصیه‌هایی سفت‌وسخت برای آغاز سال تحصیلی

● **پوریا عالمی:** خوب است کاری کنیم که بچه‌ها شبیه هم نشوند. برای این امر مهم خلاقیت مهم نیست. اگر دانش‌آموزی استعداد نشان داد حتما با گفتن این جمله که «همونی که توی کتاب نوشته‌رو باید حفظ کنی، فهمیدی یا نه؟ زرافه» استعدادش را شکوفا کنیم. اگر معلم هستیم فراموش نکنید که هرگز بچه‌ها را تنبیه نکنید، بچه‌ها را شبیه کنید. البته اگر سر حال بودید می‌توانید بچه‌ها را تشبیه کنید به انواع سبزیجات، مثل؛ سیب‌زمینی، کدو و آمیب. این تشبیه علاوه‌بر شاد کردن فضای کلاس، هم حال بچه‌ها را جا می‌آورد و هم حال بچه‌ها را می‌گیرد. [...]

اگر ولی کودک هستیم فراموش نکنیم که حتما یک چیزی را بزنیم توی سر بچه‌مان یا پس‌گردنی بزنیم، خشونت نرم از خودمان نشان دهیم. یعنی به‌جای مشت از بچه همسایه و فامیل استفاده کنیم و بچه همسایه و فامیل را بزنیم توی سر کودکمان تا سرخورده و متوجه شود که بی‌استعدادترین، احمق‌ترین و بدبخت‌ترین بچه روی زمین است. این مهم شخصیت بچه‌ها را محکم می‌کند. اگر کودک هستبد هر کاری معلم، ناظم، مدیر، پدر و مادر تان می‌گوید انجام بدهید، انجام دهید. یعنی ظاهر و باطن را حواستان باشد. یعنی الکی هرروز صبح پا شوید بروید مدرسه و هفت، هشت، ۱۰ سال الکی وقت صرف کنید اما در تمام آن لحظات توی ذهنتان تخیل کنید و دنیای جادویی خودتان را بسازید. یادتان باشد آدم‌بزرگ‌ها دوست دارند بزرگی‌شان را با هارت‌وپورت و اخم‌وتخم توی چشم بچه‌ها کنند. اما شما که هنوز آدم‌بزرگ نشده‌اید و می‌دانید واقعا فرقی ندارد کتاب‌های درسی را توی ۹ ماه بخوانیم یا شب آخر بخوانیم و امتحان بدهیم یا اصلا نخوانیم، پس حرص نخورید. تحمیل دوران تحصیل جزو اشتباهات و باگ‌های تمدن است. البته یادتان باشد اگر این‌همه کودک در جهان نروند مدرسه و محصور نشوند، می‌روند و رویایشان را می‌سازند و این اصلا چیز خوبی نیست و آدم‌بزرگ‌ها دوست ندارند.

پیامک‌های صبح شنبه

سیدشهاب‌الدین طباطبایی : از همان اولین روزهای تیر هم می‌شد گرما را به عشق مهر تحمل کرد. اعتراف می‌کنم خیلی‌هایمان از حرارت تیر ملایمت مهر را فراموش کرده بودیم.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۹ شهریور ۱۳۹۳ • ۲۴ ذی‌القعدة ۱۴۳۵ • ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۱۸ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۵۸ • اذان مغرب ۱۹:۲۳ • اذان صبح فردا ۵:۲۷ • طلوع آفتاب ۶:۵۱

روزانفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

علی رومانی
aliromani84@gmail.com

کارگران فصلی



گزارش فردا

به پیشواز مهر با خبرهای بد و خوب از تهران و مدرسه‌هایش

از محضر آیت‌الله تا کتابخانه موریانه‌زده



این دبیرستان دخترانه، رشد سیمانی ساختمانی را دید ساختمانی که علاوه‌بر ازبین‌بردن حریم درجه‌یک این اثر ثبتی، شارع به این محل مختص بانوان بود. اگرچه در تهران وقتی ساختمانی در حریم یک اثر تاریخی ساخته می‌شود، آسمان به زمین بیاید و زمین به آسمان برود، از جایش تکان نخواهد خورد. تلاش شبانه‌روزی مدیریت مدرسه و جامعه زرتشتیان برای حفاظت از این ساختمان مهم برای تهران در نزدیک‌ترین فاصله به مهرماه، حدیث بیش از ۸۰ سال زحمت است و اگر سازمان میراث فرهنگی به‌عنوان متولی، وارد عمل نشود، معلوم نیست سرنوشت این مدرسه چند «مهر» دیگر ضمیمه تهران باشد. از آن طرف اما در قلب یوسف‌آباد، مدرسه ناشنویان باغچه‌بان، برای مهرماه یک هدیه ویژه ارزانی دانش‌آموزانش خواهد کرد؛ موزه جبار باغچه‌بان، با یادداشت‌های روزانه، عکس‌های قدیمی، اختراعات و حتی تخت‌خواب اولین معلم ناشنویان در ایران. کمی آن طرف‌تر، در فضایی متفاوت هم بوی درس و مدرسه می‌آید منتها از جنسی دیگر و سیاقی دیگر. محضر آیت‌الله‌آقازلی شیرازی، پر است از کتاب و شاگردانی که از او حکمت و بیسان می‌آموزند. او به تهرانگردان از سختی آموزش گفت: از خطرات روزگاری که درس خواندن رنج توانفرسای راهپیمایی‌های طولانی در پی داشت و جدایی از خانه و خانواده، اما امروز ورق برگشته و تحصیل شان یگانه‌ای یافته است.



سعيد برآبادي

جعفر شهری، طهران را مشتتی نمونه خروار نام می‌برد؛ جایی که فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف به‌هم پیچیده و در لابه‌لای خیابان‌ها و کوچه‌ها یکی شده است. چندروز باقی مانده به آغازبه‌کار مدرسه‌ها، تهران شهر شلوغی می‌شود، نه فقط به‌خاطر ترافیک سرسام‌آور و اشک‌درآش بلکه بیشتر به‌خاطر آماده‌شدن مدرسه‌ها، تا در باز کنند و نوبت عاشقی، آغاز! آخرین تهرانگردی احمد مسجدجامعی در شهریورماه، همراه با همین بوی خوش ماه مهر بود که وزیده بود بر این «مشت نمونه خروار»! از مدرسه البرز که از قدیمی‌ترین مدرسه‌های تهران است تا مدرسه باغچه‌بان که مخصوص دانش‌آموزان ناشنواست و البته محضر آیت‌الله آقازلی شیرازی که فقهی صاحب‌حکمت هستند و اساتیدی برای شاگردان حوزوی، دبیرستان دخترانه انوشیروان دادگرو... زیرطاقی مدرسه البرز، تاریخ ۱۳۰۲ روی خشتی خودنمایی می‌کند؛ مدرسه، نودمین تولدش را پشت‌سر گذاشته و هنوز سرباست و آماده برای مهر. داریوش آشوری، محمدعلی اسلامی‌ندوشن، عبدالله انسوار، همایون خرم، صادق چوبک، مصطفی

چراغ لیریزی

کسی به فکر خیابان‌ها نیست



سجاد صاحبان‌زند

چرا؟ مونترال سه‌فروگاه بزرگ بین‌المللی دارد، شهری که نه‌تنها مرکز یا همان پایتخت کانادا به حساب نمی‌آید حتی مرکز استان هم نیست. هر سه‌فروگاه هم در جایی نزدیکی شهر قرار دارند، نه آنقدر نزدیک که همسایگانش شب‌ها خواب درست و حسابی از گلویشان پایین نرود و نه آنقدر دور که مجبور شوی برای رفتن به فروگاه، یک بلیت دیگر بخری. حالا شما وارد یکی از این فرودگاه‌ها می‌شوی. هر سه‌فروگاه مونترال که بازماندگان المپیک هستند، معماری‌های خوبی دارند و امکاناتشان قابل‌اعتناست. اما همین که پایتان را از فرودگاه بیرون می‌گذارند یک چیز

توی ذوق تان می‌زند. آسفالت‌های مونترال اصلا و ابدا خوب نیست. شما می‌توانید ترک‌های زیادی را در آسفالت ببینید و البته اینجا از نظر دست‌انداز هم چیزی کم نداریم. خلاصه اینکه دل آدم برای تهران تنگ نمی‌شود، چون وقتی در خیابان‌های مونترال در حال ترددی، حس «خود در تهران‌بینی» عجیبی به تو دست می‌دهد. البته این اشکال، بیشتر از همه به زمستان‌های کانادا برمی‌گردد. برف‌های سرزمین یخی، پدر آسفالت را درمی‌آورد. به مرور برایتان از فرهنگ رانندگی مونترال خواهم نوشت. در اینجا ما رفتاری کاملا متفاوت با رانندگان ایرانی را می‌بینیم.



انتخاب راحت غذای دلخواه
یخچال FOOD SHOWCASE

فقط با ضمانت
مرکز تماس: ۰۲۱-۸۲۵۵۰ سرویس

